

هوش، عفت

محسن کیلاشکی
دانشجوی دکتری مطالعات برنامه‌درسی

محور تربیتی	دوره تحصیلی	هدف در ساحت تربیت اقتصادی حرفه‌ای
هوش	اول ابتدایی	با کسب مهارت‌های ساده کارآفرینی، قدرت تخیل و خلاقیت خود را برای تولید یک محصول یا خدمت به کار گیرد.
هوش		با درک مفاهیم پایه اقتصاد (فایده، هزینه و مصرف)، روش‌های مصرف بهینه رادر زندگی شخصی و خانوادگی به کار گیرد.
هوش و عقل	دوم ابتدایی	با شناسایی مفاهیم عمومی اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف) و درک نقش مسئولیت‌پذیری و انضباط مالی در فعالیت‌های اقتصادی، روش‌هایی را برای حل مسائل ساده اقتصادی شناسایی کند و به کار گیرد.
هوش و عقل		با کسب مهارت‌های اصلی کارآفرینی، قدرت تخیل و خلاقیت خود را برای تولید یک محصول یا خدمت اجرا و نتایج آن را تحلیل کند.
هوش و عقل		با درک مفاهیم اخلاق اقتصادی (کار و تلاش، رعایت حق الناس، نیکوکاری، امانت‌داری، و پرهیز از اسراف و تبذیر) رفتار خود را در زندگی شخصی و ارتباط با دیگران بر مبنای آن سازمان دهد و عمل کند.
عقل و خرد	اول متوسطه	با شناسایی مفاهیم اصلی اقتصاد خانواده و درک شیوه‌های مالی شخصی (پس انداز و مدیریت خطرپذیری)، مصداق‌های آن را در زندگی به کار بگیرد و در بهبود اقتصاد خانواده فعالانه مشارکت کند.
عقل و خرد		با شناخت مفاهیم کلیدی رفتار اقتصادی سازنده (شکر، قناعت، تعاون، منافع جمعی، رعایت حلال و حرام و حمایت از تولید ملی)، تأثیر آن‌ها را در امور فردی، خانوادگی و اجتماعی تحلیل کند و روش‌هایی را برای بهسازی رفتارهای اقتصادی پیشنهاد دهد.
عقل و خرد		با شناخت مفاهیم کلیدی رفتار اقتصادی سازنده (شکر، قناعت، تعاون، منافع جمعی، رعایت حلال و حرام و حمایت از تولید ملی)، تأثیر آن‌ها را در امور فردی، خانوادگی و اجتماعی تحلیل کند و روش‌هایی را برای بهسازی رفتارهای اقتصادی پیشنهاد دهد.
خرد	دوم متوسطه	با درک ابعاد و روند شکل‌گیری مسائل و تحولات اقتصادی در فضای واقعی و مجازی، الگوی رفتار اقتصادی خود، خانواده و جامعه را بررسی کند و روش‌هایی برای تدبیر معاش حلال به کار گیرد.
خرد		با شناسایی تحولات عرصه اشتغال و سرمایه‌گذاری، صلاحیت‌های حرفه‌ای خود را ارزیابی و برای کسب و کار و نقش آفرینی اقتصادی در آینده برنامه‌ریزی کند.
خرد		با شناخت عمومی از بخش‌ها و سیاست‌های کلان اقتصادی و درک رفتارهای مثبت و منفی بازیگران اقتصادی در سطح ملی و فراملی، تأثیر آن‌ها را بر مسائل اقتصادی جامعه تحلیل کند.

تعلیم و تربیت بر مبنای فلسفی خود استوار است و فلسفه جز کلمه چیزی برای بیان مفاهیم خود در دست ندارد. هرگونه آسان‌گیری، بی‌دقتی و بی‌اعتنایی به تفاوت‌ها و تمایزهای مفهومی کلمات، به آشفتگی و پربیشانی در فهم اندیشه‌ها و اقدامات می‌انجامد. یک دسته از کلماتی که به نظر می‌رسد برداشت‌ها و تلقی‌های متفاوتی از آن‌ها وجود دارد، هوش، عقل و خرد هستند. در این نگارش، به تمایز این سه و دلالت‌های آن‌ها در تربیت اقتصادی خواهیم پرداخت.

هوش قابلیت حل مسائل، یادگیری، استنباط، تحلیل و خلاقیت است. هوش معمولاً با آزمون‌های استاندارد سنجیده می‌شود و نشان‌دهنده عملکرد شناختی فرد است. هوش ممکن است به عوامل ژن‌شناسی، زیستی، محیطی و تربیتی بستگی داشته باشد.

عقل^۱ قوه ادراکی است که با آن می‌توان به‌طور خودآگاهانه معنی را درک کرد، منطق را به کار برد، واقعیت‌ها را سازمان‌دهی یا صحت آن‌ها را بررسی کرد و نهادهای اجتماعی را بر اساس اطلاعات موجود یا اطلاعات جدید، باورها و شیوه‌ها، یا تغییر داد یا توجیه کرد. عقل نیروی تشخیص خوب و بد و کنترل‌کننده امیال فرد است. خرد^۲ داشتن دانش، شعور، فهم، تجربه و بصیرت، اکتسابی و نیز فهم ذاتی به همراه قابلیت کار بست آن‌هاست. در موارد دیگری، علاوه بر «خرد»، در فارسی معادل‌های دیگری برای این کلمه اختیار شده‌اند، مانند: «فرزانگی»، «دانایی»، «حکمت» و «خردمندی» (حنایی کاشانی، ۱۳۸۹). در بسیاری از دین‌ها و فرهنگ‌ها بر اهمیت خرد تکیه شده و خرد از فضایل به‌شمار رفته است.

به بیان ساده‌تر، در یک نگاه کل به جزء، خرد به چرایی حل مسائل می‌پردازد، عقل چیستی مسائل را مطرح می‌کند و هوش چگونگی حل مسائل را نشان می‌دهد. عده‌ای نیز خرد را فرمانده عقل و عقل را راهبر هوش دانسته و این‌گونه به تمایز این سه پرداخته‌اند. حال به اهداف مندرج در ساحت تربیت اقتصادی حرفه‌ای، به تفکیک دوره‌های تحصیلی، می‌پردازیم:

بانگاهی اجمالی به اهداف ساحت

فلسفه اقتصاد



عکاس: اعظم لاریجانی

پی‌نوشت‌ها

1. Intelligence
2. Reason
3. Wisdom

منابع

۱. حنایی کاشانی، محمد سعید (۱۳۸۹). تمایز عقل و خرد. در چنین گفت زرتشت نیچه. پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، بهار و تابستان ۱۳۸۹. شماره ۶۲.
۲. دوفصلنامه فلسفی شناخت. پژوهشنامه علوم انسانی. شماره ۶۲/۱.

شرایط در نگاهی کل نگر و طرح پرسش چرایی اقدامات، به ارائه راه حل پردازد. از این رو، تمرکز تربیت اقتصادی آرام آرام به سمت تربیت خرد اقتصادی میل پیدا می کند و ترکیبی از تربیت عقل و خرد اقتصادی را می توان در اهداف مشاهده کرد.

به نظر می رسد، دوره دوم متوسطه به عنوان عالی ترین سطح آموزش عمومی، بر خود مفروض دانسته است دانش آموزان را به بالاترین سطح تربیت اقتصادی رهنمون سازد. از این رو، در اهداف قصد شده این دوره که در مبانی نظری سند تحول بنیادین آمده اند، تلاش شده است دانش آموز با کسب توان پیش بینی، آینده نگری و آینده پژوهی، نقادی و تقویت خود آگاهی، به تدوین الگویی برای رفتارهای اقتصادی خود و نقش آفرینی در سطح ملی و فراملی پردازد و خرد اقتصادی او با سوق یافتن به سمت نقد و تفکر انتقادی تقویت شود.

خوشبختانه به نظر می رسد مبانی فلسفی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بادرک درستی از تمایز هوش، عقل و خرد اقتصادی سلسله مراتب اهداف تربیت اقتصادی مدون شده اند. البته تدوین مبانی نظری یکی از گام های تدوین برنامه درسی در سطح قصد شدگی است و موفق بودن هر برنامه درسی در گرو اجرای موفق آن در سطح قصد و اجراست.

اقتصادی حرفه ای به تفکیک دوره های تحصیلی می توان دریافت:

در دوره اول ابتدایی، تربیت اقتصادی بر محوریت تربیت هوش اقتصادی قرار داشته است، چرا که مطابق تعریف هوش و معرفی هوش اقتصادی، اهدافی را که بر یادگیری و به کارگیری فن یا مجموعه ای از فنون و استفاده فناورانه از آن ها در حوزه های اقتصادی و حرفه ای ناظرند، می توان بر محوریت تربیت هوش اقتصادی دانست.

در دوره دوم ابتدایی، مطابق انتظار و منطق تربیتی، اهداف تربیتی اعتلا یافته و به سمت تقویت و تربیت عقل اقتصادی، که گاهی از آن به عقل معاش نیز یاد می شود، سوق یافته است. در این اهداف با عبارت هایی نظیر شناسایی و به کارگیری، کسب مهارت و تحلیل، درک مفهوم و سامان دهی، تلاش بر این بوده است که سطح تربیت اقتصادی از تربیت صرفاً هوش اقتصادی اعتلا یابد و به سمت تربیت هوش و عقل اقتصادی سوق داده شود. در دوره اول متوسطه، با تحلیل جنس اهداف این گونه متبادر می شود که در برنامه قصد شده این دوره تلاش بر این بوده است که دانش آموز با آسیب شناسی و نقد